چکیده

بازنویسی و ساده سازی متون کهن ادبی به زبان ساده برای گروه‌های سنی مختلف از جمله نوجوانان، اهمیت زیادی دارد. ضرورت این کار آشنا شدن نوجوانان با فرهنگ، آداب و رسوم، تمدن، مفاخر ملی و گذشته ادبی این مرز و بوم است. مخاطب آثارکهن، بیشتر بزرگسالان و افراد تحصیل کرده هستند. اما کودکان و نوجوانان نیز برای آشنایی با فرهنگ و تمدن گذشته خویش، به برقراری پیوند عمیقی با این متون نیاز دارند. این پژوهش، به بررسی و تحلیل ساختار و الگوهای داستانی داستان های بازنویسی شده از متون کهن ادبی(شاهنامه، مثنوی، گلستان وکلیله و دمنه) برای به دست آوردن شیوه های مناسب ساده نویسی متون کهن برای گروه سنی نوجوانان پرداخته است. این تحقیق در شش فصل تنظیم شده است در فصل اول به بررسی و معرفی کلیات و تعاریف و در فصول دیگر به معرفی و بیان اهمیت بازنویسی و بررسی ساختار داستان های بازنویسی شده از این متون برای نوجوانان و تحلیل ساختار داستانی آن ها پرداخته شده است. در اکثر متون بازنویسی شده محتوا و پیام داستان در مقایسه با متن اصلی یکسان است. داستان های بازنویسی شده در مقایسه با متن اصلی، از ساختار جدید و زبان ساده‌تری برخوردارند. برخی از داستان های بازنویسی شده (مثنوی و گلستان) در مقایسه با متن اصلی چندان تفاوتی ندارند فقط زبان آن ها ساده و امروزی شده است.

کلید واژه : بازنویسی، متن کهن، متن بازنویسی شده ، نوجوان ، ساختار داستان ،

فهرست صفحه

چکیده

فصل اول ۹
۱-۱ کلیات ۹
۱-۱-۱ مقدمه و معرفي طرح ۹
۱-۱-۲ .اهداف اصلي طرح: ۱۰
۱-۱-۳. فرضيات طرح : ۱۰
۱-۱-۴. پيشينه تحقيق: ۱۰
۱-۱-۵. ضرورت و اهميت تحقيق : ۱۱
۱-۱-۶. روش تحقيق : ۱۱
۱-۲. ادبيات ۱۱
۱-۲-۱. ادبيات کودک و نوجوان: ۱۲
۱-۲-۲ سير ادبيات کودک و نوجوان در جهان: ۱۳
۱-۲-۳. سير ادبيات کودک و نوجوان در ايران: ۱۴
۱-۲-۴. ادبيات کودکان پيش از اسلام: ۱۴
۱-۲-۵. ادبيات کودکان پس از اسلام: ۱۴
۱-۲-۶. مشروطه و ادبيات کودک و نوجوان: ۱۵
۱-۲-۷. ادبيات کودکان و انقلاب اسلامي: ۱۶
۱-۲-۸ نوجوان از ديدگاه روانشناسي : ۱۷
۱-۲-۹. ارتباط ادبيات و زندگي نوجوان: ۱۷
۱-۲-۱۰. اهداف و کارکردهاي ادبيات کودک و نوجوان: ۱۸
۱-۳. عناصر داستان : ۱۸
۱-۳-۱. موضوع: (subject) ۱۸
۱-۳-۲. پيرنگ : (plot) ۱۹
۱-۳- ۳. زاويه ديد: (point of view) ۱۹
۱-۳-۴. شخصيت وشخصيت پردازي :(Characters and characterization) ۱۹
۱-۳-۵. گفت وگو:(Dialogue) ۱۹
۱-۳-۶. صحنه وصحنه پردازي:(Setting) ۲۰
۱-۳-۷ -لحن:(Tone) ۲۰
۱-۳-۸ سبک و زبان نگارش (language and style) ۲۰
۱-۴. بازنويسي(Regeneration) ۲۱
۱-۴-۱. تعريف بازنويسي: ۲۱
۱-۴-۱-۱.. انواع بازنويسي ۲۱
۱-۴-۱-۱-۱ بازنويسي متأثر از سبک اصلي؛ ۲۱
۱-۴-۱-۱-۲. بازنويسي ساده (ساده نويسي)؛ ۲۱
۱-۴-۱-۱-۳. بازنويسي خلّاق؛ ۲۲
۱-۴-۲. تاريخچه بازنويسي از گذشته تا به امروز: ۲۲

۱-۴-۳. اهميت بازنويسي متون كهن براي نوجوان: ۲۳
۱-۴-۴. اهداف بازنويسي متون براي نوجوانان: ۲۳
۱-۴-۵. كوشندگان عرصه بازنويسي متون كهن براي نوجوانان: ۲۴
۱-۴-۵-۱. مهدي آذريزدي: ۲۴
۱-۴-۵-۲. جعفر ابراهيمي شاهد: ۲۴
۱-۴-۶. بازنويسي و بينا متنيت (Regeneration and intertextuality) ۲۴
۱-۴-۷. بازآفريني(Recreation) ۲۵
فصل دوم
۲. كليله و دمنه ۲۶
۲-۱. اهميت بازنويسي كليله و دمنه براي نوجوانان: ۲۶
۲-۲. بررسي عناصر داستان در متن اصلي و بازنويسي شده(كليله و دمنه). ۲۷
۲-۲-۱. طرح و پيرنگ در متن اصلي و بازنويسي شده: ۲۷
۲-۲-۱-۱. شيوه هاي ايجاد ساختار جديد در متون كهن: ۳۰
۲-۲-۱-۲. گسترش تعداد پيرنگ براي گسترش موضوع: ۳۱
۲-۲-۱-۳ . افزايش تعداد گفت وگو ها : ۳۱
۲-۲-۱-۴ . ايجاد فضاهاي داستاني و درون متني: ۳۲
۲-۲-۱-۴-۱. ديالوگ هاي درون متني: ۳۲
۲-۲-۱-۴-۲ . آفرينش شخصيت ها و مكان ها متناسب با بافت اصلي داستان: ۳۳
۲-۲-۱-۴-۳. كشمكش :(Conflict) ۳۴
۲-۲-۱-۴-۵ . افزايش تعداد پيرفتهاي داستان(حوادث اصلي و فرعي) ۳۷
۲-۳ درون مايه(Theme): ۳۸
۲-۳-۱ درونمايه درمتن اصلي:(كليله و دمنه): ۳۸
۲-۳-۲ نحوه ارائه درون مايه: ۳۹
۲-۳-۲-۱ ارائه درون مايه به شيوه مستقيم: ۳۹
۲-۳-۲-۱-۱ ارائه درونمايه درعنوان داستان: ۳۹
۲-۳-۲-۲ ارائه غير مستقيم درون مايه: ۳۹
۲-۳-۲-۲-۱ ايجاد فضاهاي داستاني و افزايش گفت و گو ها: ۴۰
۲-۳-۲-۲-۲ سپيدخواني - حذف قسمتي از متن: ۴۱
۲-۳-۳ تناسب درون مايه با ظرفيت ذهني- شناختي نوجوانان : ۴۳
۲-۴ زاويه ديد: (point of view) ۴۳
۲-۴-۱ استفاده از چند روايت مختلف (تلفيقي از چند زاويه ديد): ۴۴
۲-۵ شخصيت و شخصيت پردازي: ۴۵
۲-۵-۱ تناسب نام و ماهيت شخصيت ها: ۴۶
۲-۵-۲ پرورش شخصيت هاي داستان: ۴۷
۲-۵-۲-۱ شيوه مستقيم: ۴۷
۲-۵-۲-۲ پويانمايي شخصيت اصلي داستان: ۴۷
۲-۵-۲-۳ شخصيت پردازي از طريق شخصيتهاي شناخته شده: ۴۹
۲-۵-۲-۴ گفت گوي شخصيت ها با همديگر: ۴۹

۲-۵-۲-۵ شخصيت پردازي از طريق نام شخصيت: ۵۰
۲-۶ گفت و گو:(Dialogue) ۵۲
۲-۶-۱ كوتاه و سريع بودن گفت و گوها: ۵۳
۲-۶-۲ تناسب لحن و شخصيت : ۵۳
۲-۶-۳ استفاده از ديالوگ و مونولوگ هاي دروني: ۵۳
۲-۷ فضا سازي: (Atomospher) ۵۴
۲-۷-۱ فضاسازي از طريق عنصر زبان(كلمات و جملات) ۵۵
۲-۷-۲ فضا سازي به كمک ابزار و اشياء عيني و ملموس: ۵۶
۲-۷-۳ فضاسازي در متن كهن و بازنويسي: ۵۶
۲-۸ زبان و سبک نگارش : ۵۷
۲-۸-۱ . ساده سازي واژگاني : (lexical simplification) ۵۶
۲-۸-۱-۱ جايگزيني واژه هاي آسان و ساده به جاي واژگان دشوار و كهن: ۵۸
۲-۸-۱-۲ . جايگزيني واژه هاي خاص به جاي واژه هاي عام و كلي ۵۹
۲-۸-۱-۲-۱ . جايگزيني اسم هاي خاص به جاي اسم هاي عام ۵۹
۲-۸-۱-۲-۲ . جايگزيني مرجع هاي مشخص(اسم) به جاي ضماير موصولي و اشاره كلي و عام : ۵۹
۲-۸-۱-۲-۳ برجسته سازي رفتار و كردار شخصيت ها از طريق اسمهاي خاص(شخصيت پردازي) ۶۰
۲-۸-۱-۳ .جايگزيني واژه هاي عيني و ملموس به جاي واژه هاي ذهني و انتزاعي ۶۰
۲-۸-۲ ساده سازي نحوي: (Syntactic simplification.) ۵۹
۲-۸-۲-۱ . شكستن طول جملات مركب و تو در تو: ۶۱
۲-۸-۲-۲ .حذف جملات زايد(حشو و تكرار): ۶۱
۲-۸-۲-۳ .حذف عبارت هاي عربي و شواهد شعري دشوار ۶۲
۲-۸-۲-۴ جايگزيني حروف اضافه ساده و امروزي به جاي حروف اضافه كهن ۶۲
۲-۸-۲-۵ جا به جايي اركان وعناصر جمله ۶۱
۲-۸-۲-۶ . حذف اركان و عناصر جمله ۶۳
۲-۸-۲-۷ به كاربردن شكل جديد و امروزي كلمات ، افعال و... به جاي شكل كهن آن‌ها : ۶۳
۲-۸-۲-۷-۱ جايگزيني شكل جديد و امروزي اسم ها به جاي شكل كهن آن‌ها : ۶۴
۲-۸-۲-۸ جايگزيني افعال جديد و امروزي به جاي افعال كهن : ۶۴
۲-۸-۲-۸-۱ . تحول معنايي افعال: ۶۵
۲-۸-۲-۹ . كاربرد قيد به شكل امروزي به جاي قيود كهن و قديمي ۶۵
۲-۸-۲-۱۰ . مقايسه كاربرد و بسامد انواع جمله درمتن كهن و متن بازنويسي شده : ۶۵
۲-۸-۲- ۱۱ نتيجه بحث : ۶۷
۲-۸-۲-۱۲ ارائه پيشنهاد : ۶۹
فصل سوم
۳. شاهنامه ۷۰
۳-۱. اهميت بازنويسي از شاهنامه: ۷۰
۳-۲. بررسي و مقايسه عناصر داستان در شاهنامه و متن بازنويسي شده: ۷۱
۳-۲-۱. طرح و پيرنگ: ۷۱
۳-۲-۱-۱ رشته عليت در اپيزودهاي شاهنامه: ۷۱

۳-۲-۱-۲. مقايسه ساختار بازنويسي متن اصلي و بازنويسي شده: ۷۲
۳-۲-۱-۲-۱ كاهش تعداد حوادث، پي رفت ها و افزايش صحنه و حوادث جديد: ۷۳
۳-۳ . تغيير در ساختمان پيرنگ : ۷۴
۳-۳-۱ . مقدمه چيني و شروع(تعادل اوليه): ۷۴
۳-۳-۲ گره افكني:(Complication): ۷۴
۳-۳-۳ كشمكش :(Conflict): ۷۶
۳-۴. درون مايه :(Theme): ۷۹
۳-۴-۱. تناسب درون مايه با ظرفيت هاي ذهني و شناختي نوجوان: ۷۹
۳-۴-۲. شيوه ارائه درون مايه : ۸۰
۳-۴-۲-۱. شيوه مستقيم : ۸۰
۳-۴-۲-۲ . ارائه درون مايه در عنوان داستان : ۸۱
۳-۴-۲-۳. پايان بندي مناسب براي داستان ها : ۸۲
۳-۵. زاويه ديد: (point of view) ۸۴
۳-۵-۱. باز بودن روايت داستان در شاهنامه: ۸۴
۳-۵-۱-۱ .تغيير زاويه ديد از طريق شكستن سير خطي داستان: ۸۵
۳-۵-۱-۲ . بازگشت به گذشته(Flash back): ۸۵
۳-۶ . شخصيت و شخصيت پردازي :(Characters and characterization) ۸۶
۳-۶-۱. تعداد شخصيت ها در متن اصلي و بازنويسي : ۸۷
۳-۶-۲. تغيير در رفتار و انديشه شخصيتها : ۸۸
۳-۶-۳. شخصيت پردازي: ۸۹
۳-۶-۳-۱. شخصيت پردازي مستقيم: ۸۹
۳-۶-۳-۱-۱. معرفي و توصيف راوي: ۸۹
۳-۶-۳-۲. شخصيت پردازي غير مستقيم : ۹۰
۳-۶-۳-۲-۱ .از طريق بيان و انديشه ديگر شخصيت ها: ۹۰
۳-۶-۳-۲-۲. گفت وگوي ميان شخصيت ها: ۹۰
۳-۷. گفت وگو: (Dialogue). ۹۰
۳-۷-۱. لحن :(Tone). ۹۱
۳-۷-۲. تناسب لحن و شخصيت : ۹۲
۳-۸. فضاسازي و صحنه پردازي: ۹۳
۳-۸-۱. فضاسازي در متن بازنويسي شده : ۹۴
۳-۸-۲ نقش تصوير در داستان هاي بازنويسي شده : ۹۵
۳-۹. سبک و شيوه نگارش : ۹۵
۳-۹-۱ . ساده سازي و بازنويسي واژگاني :(Simplification and regeneration of words) ۹۶
۳-۹-۱-۱ .انتخاب واژگان : (Choice of words). ۹۶
۳-۹-۱-۱ . انتخاب واژهگان آسان و ملموس به جاي تعابير كهن و كم بسامد : ۹۶
۳-۹-۱-۲ انتخاب صفت هاي ساده و مناسب : ۹۷
۳-۹-۱-۳ گزينش اسم هاي ساده و روان : ۹۸
۳-۹-۱-۴ .انتخاب قيد هاي ساده و امروزي: ۹۸

۳-۹-۱-۵ انتخاب تركيبات ساده و امروزي : ۹۸
۳-۹-۱-۶ . تناسب فرم و ساختار داستان هاي بازنويسي شده با متن اصلي : ۹۹
۳-۹-۲ . سطح نحوي : ۹۹
۳-۹-۲-۱ .جايگزيني جملات و عبارات آسان به جاي جملات پيچيده: ۹۹
۳-۹-۲-۲ . شرح جملات و عبارت هاي ذهني و دشوار: ۱۰۰
۳-۹-۳ .تقديم يا تاخير اركان جمله: ۱۰۰
۳-۹-۴ . رعايت علائم و اصول نگارشي : ۱۰۱
۳-۹-۵ . تصاوير عيني و ملموس به جاي تصاوير ذهني و دشوار: ۱۰۲
۳-۹-۶. سطح ادبي : ۱۰۲
۳-۹-۶-۱ استفاده از تشبيهات و استعارات ساده و ملموس : ۱۰۲
۳-۹-۶-۲. توضيح و شرح استعارات دشوار و ديرياب : ۱۰۳
۳-۹-۶-۳ . شرح عبارات كنايي و ناآشنا : ۱۰۳
۳-۹-۷ نتيجه بحث : ۱۰۳
۳-۹-۸ ارائه پيشنهاد: ۱۰۴
فصل چهارم ۱۰۵
۴. گلستان سعدي ۱۰۵
۴-۱ اهميت بازنويسي گلستان براي نوجوان ۱۰۶
۴-۲ ساختار حكايات گلستان: ۱۰۶
۴-۲-۱ باورپذيري حكايات گلستان (روابط علي و معلولي): ۱۰۶
۴-۲-۲ . ساختمان پيرنگ در حكايات گلستان و متن بازنويسي شده: ۱۰۷
۴-۲-۲-۱ گسترش پيرنگ حكايتها: ۱۰۸
۴-۲-۲-۱-۱ ايجاد فضاهاي داستاني (خلق زمان و مكان مناسب و توصيف شخصيتها) ۱۰۸
۴-۲-۲-۱-۲ افزايش گفت وگو و ديالوگهاي درون متني: ۱۰۹
۴-۲-۲-۱-۳ ايجاد كشمكش ميان شخصيتهاي داستاني: ۱۰۹
۴-۳ . درون مايه (Theme) ۱۱۲
۴-۳-۱ . شيوه ارائه درونمايه: ۱۱۲
۴-۳-۱-۱ ارائه درونمايه در ميان كنشها و رفتار شخصيتها: ۱۱۳
۴-۳-۱-۲ ايجاد گفت وگوها و ديالوگهاي درون متني. ۱۱۳
۴-۳-۱-۳ خلق حوادث فرعي و جديد متناسب با بافت كلي داستان: ۱۱۴
۴-۳-۱-۴ استفاده از تعابير و اصطلاحات ملموس و آشنا: ۱۱۵
۴-۳-۲ تناسب درونمايه با ظرفيت ذهني و شناختي نوجوانان : ۱۱۵
۴-۴ . زاويه ديد :(Point of view): ۱۱۷
۴-۴-۱ شيوه تغيير زاويه ديد: ۱۱۷
۴-۴-۱-۱ استفاده از تک گويي وگفتوگو ميان شخصيتهاي داستاني: ۱۱۷
۴-۴-۱-۲ استفاده از روايت اول شخص: ۱۱۸
۴-۵ . شخصيت و شخصيت پردازي: ۱۱۸
۴-۵ -۱ .تناسب شخصيت با نام (اسم) آنها: ۱۱۹
۴-۵-۲ . شخصيت پردازي: ۱۱۹

۴-۵-۲-۱ . توجه به زمينه بروز شخصيت: ۱۱۹
۴-۵-۲-۲ استفاده از عنصر گفت وگو در شخصيت پردازي : ۱۲۰
۴-۵-۲-۳ پويانمايي شخصيت ۱۲۰
۴-۶ . گفت وگو (Dialogue) : ۱۲۲
۴-۷ . لحن (Tone): ۱۲۳
۴-۷-۱ تناسب لحن با موضوع داستان : ۱۲۴
۴-۷-۲ تغيير لحن داستان با استفاده از جملات انشايي: ۱۲۴
۴-۷-۳ تناسب لحن و شخصيت : ۱۲۴
۴-۸ فضا سازي صحنه پردازي : ۱۲۵
۴-۸-۱ زمان و مكان در گلستان : ۱۲۵
۴-۸-۲ . فضا سازي در متن اصلي : ۱۲۶
۴-۹ زبان و سبک: ۱۲۷
۴-۹-۱ .سطح لغوي : ۱۲۷
۴-۹-۱-۱ انتخاب واژگان ساده و آسان : ۱۲۸
۴-۹-۱-۲ انتخاب صفت هاي ساده و مناسب : ۱۲۸
۴-۹-۱-۳ انتخاب قيدهاي ساده و پربسامد : ۱۲۸
۴-۹-۱-۴ گزينش افعال جديد و امروزي به جاي افعال كهن : ۱۲۹
۴-۹- ۲ سطح نحوي : ۱۲۹
۴-۹-۲-۱ شكستن طول جملات مركب و توصيفي : ۱۳۰
۴-۹-۲-۲ . شرح جملات و عبارات دشوار : ۱۳۰
۴-۹-۲-۳ ترتيب اركان جمله : ۱۳۰
۴-۹-۲-۴ رعايت ساختار نوشتاري و نگارشي متن : ۱۳۱
حركت گذاري برخي كلمات : ۱۳۱
۴-۹-۳ نتيجه بحث: ۱۳۲
۴-۹-۴ ارائه پيشنهاد : ۱۳۲
فصل پنجم ۱۳۳
۵. مثنوي معنوي ۱۳۳
۵-۱ اهميت بازنويسي مثنوي براي نوجوانان : ۱۳۳
۵-۲ ساختار داستان هاي مثنوي : ۱۳۴
۵-۲-۱ باور پذيري حوادث در متن اصلي و بازنويسي شده : ۱۳۴
۵-۳ درون مايه : ۱۳۸
۵-۳-۱ مقايسه تعداد پيام و درون مايه در متن اصلي و بازنويسي شده : ۱۳۸
۵-۳-۲ تناسب درون مايه با ظرفيت ذهني و شناختي نوجوان : ۱۴۰
۵-۳-۳ ارائه درون مايه : ۱۴۰
۵-۳-۳-۱ روايت درون مايه در عنوان: ۱۴۰
۵-۳-۳-۲ انتخاب عنوان مناسب براي حكايت ها : ۱۴۱
۵-۴ زاويه ديد : ۱۴۱
۵-۴-۱ شكست هاي روايي در داستان هاي مثنوي : ۱۴۱

۵-۴-۲ تغيير متكلم و راوي در مثنوي بدون اشاره :(ابهام در روايت) ۱۴۲
۵-۴-۳ زاويه ديد مناسب در داستان هاي بازنويسي شده : ۱۴۳
۵-۵ شخصيت و شخصيت پردازي ۱۴۴
۵-۵-۱ تنوع شخصيت در مثنوي : ۱۴۴
۵-۵-۲ شيوه پردازش شخصيت ها : ۱۴۴
۵-۵-۳ شخصيت پردازي : ۱۴۵
۵-۵-۳-۱ : ديدگاه مستقيم: ۱۴۶
۵-۵-۳-۲ ديدگاه غير مستقيم :(متن اصلي) ۱۴۶
۵-۶ گفت وگو : ۱۴۸
۵-۶-۱ نقش گفت و گو در معرفي ابعاد رواني شخصيت ها : ۱۴۹
۵-۷ لحن : ۱۵۰
۵-۷-۱ تناسب لحن وشخصيت : ۱۵۰
۵-۸- صحنه پردازي : ۱۵۰
۵-۸-۱ خلاقيت مولوي در صحنه پردازي و ايجاد فضاهاي تصويري: ۱۵۱
۵-۸-۲ زمان و مكان در داستان هاي مثنوي و متن بازنويسي شده : ۱۵۱
۵-۹ سبک و بيان : ۱۵۲
۵-۹-۱ ساده نويسي واژگاني: ۱۵۲
۵-۹-۱-۱ جايگزيني واژههاي آسان و ساده به جاي واژگان دشوار وكهن ۱۵۲
۵-۹-۱-۲ جايگزيني واژه هاي خاص به جاي واژه هاي عام و كلي: ۱۵۳
۵-۹-۲ ساده نويسي نحوي : ۱۵۳
۵-۹-۲-۱ انتخاب جملات كوتاه و آسان: ۱۵۳
۵-۹-۲-۲ استفاده از صفت هاي ساده و امروزي: ۱۵۳
۵-۹-۲-۳ استفاده از افعال ساده و امروزي: ۱۵۴
۵-۹-۲-۴ جا به جايي اركان وعناصر جمله ۱۵۴
۵-۹-۲-۴-۱ تقديم فعل: ۱۵۴
۵-۹-۲-۴-۲ تقديم مسندااليه : ۱۵۴
۵-۹-۳ تفاوت ساختاري متن اصلي و بازنويسي شده : ۱۵۵
۵-۱۰ نتيجه بحث : ۱۵۵
۵-۱۱ پيشنهاد ۱۵۶
نتيجه پژوهش : ۱۵۷
منابع ۱۶۲

فصل اول

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ مقدمه و معرفی طرح

بازنویسی و ساده سازی متون کهن ادبی، در دهه‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته و متون ادبی چون؛ شاهنامه، مثنوی، گلستان، بوستان و .. برای گروه‌های سنی مختلف (کودک و نوجوان) بازنویسی شده است. در روش بازنویسی علاوه بر ساده شدن زبان، داستان‌ها در قالب و ساختار جدیدی ارائه می‌شوند. در این شیوه پس از انتخاب متن اصلی از آثار کهن و ساده نویسی آن، با تعیین عنصر زمان و مکان برای حوادث، فضاهای داستانی ایجاد می‌شود و با گسترش پیرنگ (plot) داستان‌ها ساختاری جدید به خود می‌گیرند. «واژه بازنویسی(regeneration) اولین بار پس از برگزاری مجمع بین المللی کودک در سال ۱۹۷۵ .م(۱۳۵۳ه.ش). در تهران به وسیله محمود مشرف تهرانی از شاعران برجسته نیمایی، از روی کلام سخنران خارجی به مفهوم یک فن در ادبیات مطرح شد» (پایور، ۱۳۸۰: ۷). بازنویسی معمولا با واژه بازآفرینی همراه است اما این دو با هم متفاوت‌اند. به گونه‌ای که بازنویسی، یعنی ساده کردن زبان و نوسازی متن کهن یا پیچیده است. درحالی که بازآفرینی یعنی آفرینش مجدد اثر کهن، اما در بازنویسی محتوا و درون مایه متون تغییری نمی کند.تقسیم بندی‌های متفاوتی برای بازنویسی در نظرگرفته شده است از جمله می‌توان؛ بازنویسی از متن نظم به نثر، از نثر به نظم، از نثر به نثر، از نظم به نظم، بازنویسی آزاد و ... را نام برد. (رک. هاشمی‌ـ نسب، ۱۳۷۱: ۲۳). تقسیم بندی دیگری که از لحاظ ساختار داستانی برای بازنویسی مطرح می‌شود؛ بازنویسی ساده و بازنویسی خلاق است. بازنویسی خلاق در واقع نوعی بازآفرینی است؛ اما بازنویسی ساده، فقط ساده و امروزی کردن زبان بدون تغییر در محتوای متون است. اگرچه از دهه‌های چهل توجه به بازنویسی و بازآفرینی سیر صعودی خود را پیموده است و برخی آثار کهن ادبی بدون رعایت اصول وچهارچوب منطقی، بازنویسی شده‌اند. اما اوج بازنویسی به عصر قاجار و توجه وزیران دانش دوست ایرانی چون قائم مقام فراهانی برمی‌گردد که توجه زیادی به امر ترجمه و ساده‌نویسی متون کهن داشته‌اند (همان: ۲۱).

امروزه نیز کم و بیش این روند رو به افزایش است که البته به لحاظ کیفی، رشد چندانی در آن‌ها دیده نمی‌شود و اکثر متون بازنویسی شده چهارچوب اصولی و قابل قبولی برای گروه‌های سنی نوجوانان ندارند. هرچند ساده سازی متون، امروزه مورد استقبال کودکان و نوجوانان قرارگرفته‌است؛ اما در این بازنویسی‌ها به اصول و قواعد درست بازنویسی چندان توجه نشده و اغلب این بازنویسی‌ها در حد ساده کردن زبان باقی مانده‌اند. در فصل اول این پژوهش، به بررسی کلیات؛ ادبیات کودک ونوجوان، سیر ادبیات کودک و نوجوان در ایران و جهان، اهداف ادبیات کودک و نوجوان، بازنویسی و بازآفرینی؛ انواع بازنویسی و... پرداخته شده است. فصل دوم، به اهمیت

بازنویسی ازکلیله و دمنه ومقایسه و بررسی ساختار داستان های آن در مقایسه با متن بازنویسی شده اختصاص یافته است. در فصل سوم به اهمیت بازنویسی از شاهنامه و مقایسه ساختار داستان های اصلی و متن بازنویسی شده از دید ساختار داستانی توجه شده و در فصل چهارم به اهمیت بازنویسی از گلستان، بررسی ساختار داستانی آن با متن کهن ارائه تفاوت و شباهت های ساختاری متن کهن و بازنویسی پرداخته شده است. فصل پنجم نیز به بررسی ساختارحکایات مثنوی و داستان های بازنویسی شده و اهمیت بازنویسی از متن مثنوی اختصاص یافته است.

۱-۱-۲ .اهداف اصلی طرح:

۱. بررسی و مقایسه متون کهن با متن بازنویسی شده به لحاظ ساختار داستانی برای دست یافتن به اصول و شیوه‌های مناسب بازنویسی.
۲. بررسی اصول و شیوه‌های بازنویسی از متون کهن متناسب با ظرفیت ذهنی و شناختی گروه سنی نوجوان.
۳. شناسایی و معرفی آثار بازنویسی شده از متون کهن برای نوجوانان و آشنا کردن آنان با متون کهن و گنجینه های ادبی

۱-۱-۳. فرضیات طرح :

۱. اغلب بازنویسی های انجام شده از متون کهن، بازنویسی های ساده هستند.
۲. در بازنویسی های انجام شده، مفهوم و درون مایه متن اصلی حفظ شده و به پیام و درون مایه خدشه ای وارد نشده، فقط ساختار آن‌ها از شکل کهن به ساختاری جدید تبدیل شده است.
۳. به دلیل ساختار متفاوت هریک از متون‌کهن(شاهنامه،کلیله ودمنه، مثنوی و گلستان) شیوه بازنویسی آن-ها با هم متفاوت است.

۱-۱-۴. پیشینه تحقیق:

در مورد اصول و شیوه‌های بازنویسی متون کهن ادبی برای گروه‌های سنی از جمله نوجوان، پژوهش مستقلی صورت نگرفته اما در زمینه بازنویسی می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد: بازآفرینی مهجور، بازنویسی محدود، تاثیر شاهنامه در ادبیات کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد- ۱۳۸۴ نوشته مریم کریم زاده، مقاله «اوج و فرود در شاهنامه»، از محمود مشرف تهرانی، که به نقد بازنویسی‌های انجام شده از داستان های شاهنامه پرداخته و آن‌ها را در دو مقوله بازنویسی ساده و خلاق تفکیک کرده است، آثار و مقالات جعفر پایور که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «چند دهه بازنویسی از مثنوی» که بازنویسی‌های صورت گرفته از مثنوی را در چند دهه گذشته بررسی نموده است. همچنین کتاب« شیخ در بوته» که در آن به تعریف بازنویسی و انواع آن و همچنین چند متن بازنویسی شده از کلیله ودمنه و شاهنامه و مثنوی پرداخته و قسمتی از کتاب را به مقوله بازآفرینی اختصاص داده است، مقاله« سیری در بازنویسی‌های معاصر از ادب کهن». کتاب« بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک ونوجوان»- مجموعه مقالات جعفر پایور در حوزه بازنویسی به کوشش فروغ الزمان جمالی را می‌توان نام برد. این کتاب مشتمل بر ۱۷ مقاله از نگارنده با موضوع (بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات) است که در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵ به نگارش درآمده است. کتاب«ادبیات رسمی کودکان در ایران» نوشته صدیقه هاشمی نسب که به بازنویسی متون کهن و ارزیابی بازنویس‌ها پرداخته است. اما هدف این پژوهش، بررسی و مقایسه ساختار داستانی متون بازنویسی شده از گنجینه‌های کهن ادبی چون؛ کلیله و دمنه،

شاهنامه، مثنوی و گلستان، برای به دست آوردن اصول و شیوه‌های بازنویسی خلاق، متناسب با درک و فهم گروه سنی نوجوان است.

۱-۱-۵. ضرورت و اهمیت تحقیق :

بازنویسی متون کهن ادبی(شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه و گلستان و امثال آن) امروزه روند رو به رشدی داشته اما این پیشرفت، بیشتر کمی بوده و به کیفیت بازنویسی ها و متناسب بودن آنها برای گروه‌های سنی نوجوان چندان توجهی نشده است. «ایران به سبب تاریخ دیرینه و میراث گرانقدر فرهنگی و ادبی در زمینه ساده سازی و بازنویسی متون کهن، پیشینه‌ای قدیمی دارد. توجه به بازنویسی متون و آشنایی با فرهنگ غنی گذشته نشان از مفهوم ملیت و هویت ملی دارد» (محمدی و قایینی،۱۳۸۶ ج۲ ص۴۸۶). کودکان و نوجوانان با مطالعه این متون، علاوه بر آشنایی با تمدن کهن و دیرین خویش، احساسات ملی را در خود تقویت می-کنند. دنیای امروز دنیای تغییر و تحولات است با بالا رفتن سطح نیازها و توقع مخاطبان در شناختن هویت ملی و فرهنگی خود و برقراری ارتباطی زنده و پویا با این میراث گرانقدر، بیش از بیش اهمیت بازنویسی از متون کهن آشکار می‌شود و اینکه متون کهن، همچون پلی بین گذشته و حال، ارزش‌های منفی گذشته را طرد یا ترمیم و اصلاح می‌کند و علاوه بر افزایش گنجینه‌های ادبی متنوع، ارزش‌های جدیدی را مطرح می-کند. همچنین زبان را که بیانگر روح جامعه است تکامل می بخشد. بنابراین بازنویسی خلاق از متون کهن ادبی، می‌توانند در کوران بی باوری‌ها، ناامیدی‌ها و سرخوردگی‌های روحی و روانی که گریبان‌گیر بشر امروزی شده، همچون چراغی روشنگر به هدایت انسان ها منجر شود.

۱-۱-۶. روش تحقیق :

روش تحقیق در این پژوهش به این صورت است که ابتدا از هر متن کهن ادبی(شاهنامه،مثنوی، کلیله و دمنه و گلستان) دو نوع بازنویسی ساده و خلاق انتخاب شده سپس به بررسی ساختار داستانی و زبانی آن‌ها پرداخته شده است. البته برخی از متون کهن مثل مثنوی و گلستان چون بازنویسی خلاقی از این اثر نگاشته نشده به یک بازنویسی اکتفا شده است. در پایان هر مبحث برای نشان دادن تفاوت و شباهت‌ها نتایج به صورت جدول ارائه شده است. شیوه تحقیق به صورت کتابخانه‌ای است. ابتدا منابع مورد نظر شناسایی و سپس فیش برداری و طبقه بندی داده و اطلاعات و در نهایت به تدوین پایان نامه پرداخته شده است. در ترتی‌ب فصل های پای‌ان نامه براساس تعداد بسامد بازنوی‌سی های انجام شده از متون کهن است.

۱-۲. ادبیات

برای ادبیات تعاریف گوناگونی مطرح شده است. ادبیات از ریشه لاتینی (litrerary) و به معنی مجموعه آثار ادبی یک ملت و یک کشور که شامل ادبیات شفاهی، داستان‌ها، سروده‌ها و ... است. ادبیات امروزه در جوامع بشری نقش و وظیفه خطیری بر عهده دارد. هر کدام از نویسندگان، شاعران و منتقدان تعریف متفاوتی از ادبیات دارند. دکتر عبدالحسین زرین کوب، ادبیات را مجموعه‌ای از آثار مکتوب می‌داند که بلندترین و بهترین افکار و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیرکرده باشد. (ر.ک، زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۶۱). ادبیات با هنر رابطه‌ی نزدیک و تنگاتنگی دارد. ادبیات در واقع نوعی هنر است. هنر بیان عواطف و احساسات است در قالب کلام. .« ادبیات یا ادب فن بیان افکار و عقاید و عواطف است که مقدمه ناگزیر آن آشنایی با

احوال نظم و نثر و شعر و روایت هریک و باز شناختن درست از نادرست و خوب از بد است. در دوران اخیر به مجموعه تحقیقات و تالیف ها و مطالعاتی که در رشته یا زمینه خاص انجام می گیرد نیز ادبیات اطلاق می شود مانند ادبیات جنگ یا ادبیات نمایشی»(شریفی،۱۳۸۷ :۵۸) اما اگر بخواهیم تعریف موجز و نسبتاً کاملی از ادبیات را مطرح کنیم باید بگوییم که ادبیات،« مجموعه تظاهرات هنری هر قوم در قالب کلام نظم یا نثر است» (سارتر،۱۳۴۸: ۳۰).

۱-۲-۱. ادبیات کودک و نوجوان:

ادبیات کودک و نوجوان در ایران از پیشینه و قدمتی نسبتاً قدیمی برخوردار است و به صورت‌های گوناگونی تعریف و ارائه شده است. در فرهنگ وبستر، ادبیات کودک و نوجوان این گونه تعریف شده است:« مجموعه آثار نوشتاری مربوط به یک زبان یا یک کشور یا یک گروه سنی که به همراه تصویر برای کودکان و نوجوانان تدوین شده است» (وبستر، ذیل واژه ادبیات کودک و نوجوان). در فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ادبیات؛« به نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که ارزش ادبی و هنری دارند و برای کودکان و نوجوانان پدید می‌آیند.» (میرهادی و جهان‌شاهی،۱۳۷۱: ۸۵). آنچه در تعریف و اهمیت ادبیات کودک و نوجوان به نظر می رسد، خلق و تولید آثار ادبی و هنری است که از نظر لفظ و تعبیر مناسب با ظرفیت‌های ذهنی و شناختی کودکان و نوجوانان باشد. مصطفی رحمان دوست از نویسندگان و منتقدان حوزه ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات کودک را این گونه تعریف می‌کنند:« ادبیات کودکان، حاصل تلاش هنرمندانه است که در قالب کلام عرضه می شود و با زبان و شیوه‌ای مناسب و در حوزه فهم، کودک را به سوی رشد هدایت کند.»(رحمان دوست، ۱۳۶۹: ۳۵). به نظر می رسد در تعاریف ارائه شده از ادبیات کودک و نوجوان، سه بعد مخاطب، جوهر ادبی و خلاقیت بیشتر مدنظر باشد. سرانجام می‌پردازیم به تعریفی از سوی یونسکو دربارهٔ ادبیات کودکان که شاید بتوان گفت کامل‌ترین تعریف در این زمینه است:

کتاب‌ها و نوشته‌ها و سروده‌هایی که به طور مشخص و از ابتدا برای کودکان و با توجه به نیاز و کیفیت ذهنی آن‌ها آفریده شده است.

«کتاب‌ها، نوشته‌ها و سروده‌هایی که در اصل برای کودکان آفریده نشده است، ولی به دلیل کیفیت خاص برای کودکان نیز مناسب است و می‌تواند مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد. این دسته هم شامل ادبیات متعلق به فرهنگ عامه می‌شود که آفریننده خاصی ندارد و هم نوشته‌هایی که مخاطب آن در اصل بزرگ‌سالان بودند، ولی برای کودکان نیز مناسب از کار درآمده و مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته است» (پولادی، ۱۳۸۴: ۲۳). بارزترین خصوصیت ادبیات کودکان، برای هر منتقد ادبیات کودکان این است که ادبیات کودکان باید از طریق سرگرمی و جذابیت ذاتی، با کودک خواننده صحبت کند، نه صرفاً از طریق پیام‌های آموزشی که برای کودک جنبه تعلیمی، اجباری و یا کسل کننده دارد. این خصوصیت هم چنین مهم‌ترین روش بیان کنندهٔ خصوصیات ادبی کتاب‌های کودکان است» (هانت، ۱۳۸۲: ۲۱). تفاوت ادبیات کودکان و بزرگ‌سالان، در نیازها و امکانات کودکان و بزرگ‌سالان است. تمامی آثاری که در تمام حوزه‌های دانش بشری برای کودکان نوشته می‌شود و در آن خلاقیت هست، جزء ادبیات کودکان به شمار می‌رود.

۱-۲-۲ سیر ادبیات کودک و نوجوان در جهان:

در گذشته، ادبیات کودکان و نوجوانان چندان مطرح نبود چرا که کودکان را مانند بزرگسالان در نظر می-گرفتند و آثار و کتاب‌های خلق شده برای کودکان و بزرگسلان یکسان بود. اما امروزه با تغییر مفاهیم و ارزش‌ها، موضوع ادبیات به صورت جداگانه و تخصصی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. تعیین زمان و تاریخچه پیدایش ادبیات کودکان و نوجوانان کار دشواریست اما با بررسی آثار گذشتگان می‌توان نخستین زمزمه دلنواز مادران برای کودکان را به عنوان شکل اولیه ادبیات شفاهی و آغاز ادبیات کودک دانست. «قصه، افسانه، نقل حکایت، ذکر وقایع و حوادث، حتی لالایی‌های مادران در گوش فرزندانشان از قدیمی‌ترین وسایل پیوند بشر با تمدن و فرهنگ آبا اجدادی است که نقش بسیار موثری در پرورش کودک ایفا می‌کند.»(جعفر قلیان،۱۳۷۷: ۳). پیشرفت علم، صنعت و تغییرات بنیادین در سطوح مختلف باعث شد که علما و بزرگان نظام تعلیم و تربیت به گروه سنی کودک و نوجوان توجه بیشتری کنند و به پژوهش‌های علمی و تخصصی در زمینه تعلیم و تربیت کودکان بپردازند. شاید بتوان قرن هفدهم را دوران آغاز توجه به ادبیات کودک و نوجوان دانست. نخستین کتاب مخصوص ادبیات کودکان با عنوان «یادگاری برای کودکان» به وسیله یک روحانی انگلیسی جیمز جانی وی(Jaims jan vay) بین سال‌های ۱۶۷۱-۱۶۷۲ به رشته تحریر درآمد که البته بیشتر جنبه مذهبی داشت (ر.ک،شعاری نژاد،۱۳۷۲: ۷۲). اما رفته رفته در بیشتر کشورهای جهان توجه به ادبیات کودک و نوجوان رشد چشمگیری یافت. در فرانسه و در سال ۱۹۹۷ داستان‌های ساده‌ای مخصوص کودکان منتشر شد. در آلمان برادران گریم«قصه‌های عامیانه‌آلمان» را در دو مجلد منتشر کردند (حجازی،۱۳۸۵: ۲۴) از ابتدای قرن هجدهم تلاش‌هایی درجهت احیای ادبیات کودکان صورت گرفت که پایه و اساس ادبیات کودکان به شمار می رود. اما ادبیات کودک و نوجوان به مفهومی که امروزه درجوامع بین المللی مطرح است، وجود نداشت تا اینکه در قرن نوزدهم «هانس‌کریستین اندرسن» (Hans christian Anderson)- پدر ادبیات‌کودک- برای کودکانو نوجوانان قصه‌ها و داستان‌هایی نوشت و این مفهوم را پایه گذاری کرد (ر.ک، جعفر نژاد، ۱۳۶۳: ۲۳).

دوران طلایی و شکوفا شدن ادبیات کودکان را باید در قرن بیستم جست و جو کرد. «قرن بیستم، کوشش می‌کند به دور از هر گونه دغدغه‌ها و چالش‌ها، همزیستی و راه زندگی را به کودکان آموزش دهد»(علی پور، ۱۳۸۵: ۲۱). در این قرن دانشمندان، روانشناسان و صاحب نظرانی چون ژان پیاژه، جروم برونر، لارنس گلبرگ، خانم یلالپمن و ... تلاش‌های بسیاری را در زمینه روانشناسی و ادبیات کودک صورت دادند که از آن جمله می‌توان به تألیف کتاب‌های روانشناسی ویژۀ دوران کودکی، تعیین روز جهانی کودک و اعطای جایزۀ جهانی هانس کریستین اندرسن به نویسندگان و تصویرگران برگزیدۀ کودک و هم چنین تشکیل کنگرۀ ادبیات کودکان هر دو سال یک‌بار و ... اشاره کرد. قرن بیستم با خلق آثار برگزیده‌ای چون«جادوگر شهر اوز» اثر «فرانک بائوم» (۱۹۰۰)، «آوای وحش» از «جک لندن» (۱۹۰۳)، « وینی پو» اثر « آ. آ میلنه» (۱۹۲۶) و « شازده کوچولو» اثر « آنتوان دو سنت اگزوپری» (۱۹۴۰) ادبیات کودکان وارد مرحله جدیدی از شکوفایی خود شد (ر.ک قزل اياغ، ۱۳۸۶: ۸۵- ۸۸) که این شکوفایی و روند رو به رشد با توجه و اهتمام روز افزون کارشناسان این امر، در قرن بیست و یک نیز ادامه داشته و روز به روز شاهد پیشرفت کیفی و کمی ادبیات کودک در تمامی زمینه‌های آن هستیم.

۱-۲-۳. سیر ادبیات کودک و نوجوان در ایران:

ادبیات فارسی با پیشینه‌ای درخشان و اندیشه‌های سترگ و شگفت، یکی از بزرگترین گنجینه‌های فرهنگی ایران و جهان به شمار می رود که نشان از زندگی پر فراز و نشیب مردمانی بوده که در راه ترویج و اشاعه فرهنگ غنی ایرانی، تلاش‌های زیادی متحمل شده‌اند. ادبیات کودک و نوجوان یکی از شاخه های ادبیات به شمار می رود که سابقه چندان طولانی ندارد. البته اگر ادبیات شفاهی و عامیانه مد نظر باشد باید بگوییم از زمانی که مادری پا در عرصه گیتی گذاشت و کودکی به دنیا آورد، ادبیات کودک نیز متولد شد. چرا که با نخستین زمزمه‌های آهنگین و دلنشین مادران(لالایی و ترانه ها) کودکان پا به عرصه وجود گذاشته‌اند و در دوران کودکی خود با این ترانه‌ها دمساز شدند. اما کمتر کسی به این نوع ادبیات توجه می کرد از زمان ورود ادبیات مکتوب به ایران، کودکان نیز در ادبیات رسمی نقش‌هایی یافتند.«کودکان در گذشته‌های ادبی ما هرگز برای خود ادبیات مکتوب و مستقل نداشته‌اند آنان از کودکی با بزرگسالان همگام بوده و در مکتب خانه ها پا به پای آن‌ها، قرآن، صدکلمه، حافظ، گلستان، می خواندند که شاید برای آن‌ها چندان دلپذیر و خوشایند نبوده است»(یاحقی،۱۳۸۶: ۲۳۸).برای بررسی سیر تاریخی ادبیات کودک و نوجوان در ایران به تقسیم بندی زمانی و دوره‌ای، از قبل از اسلام تا به امروز پرداخته می شود:

۱-۲-۴. ادبیات کودکان پیش از اسلام:

همان‌گونه که گفته شد از زمان رواج ادبیات مکتوب در ایران، کم و بیش کودکان نیز سهمی در ادبیات رسمی به خود اختصاص دادند. در آثار دوره ساسانی، که به فارسی میانه نوشته شده‌اند می توان ردپایی از ادبیات کودکان را مشاهده کرد. مهمترین آثاری که پیش از اسلام به کودکان و نوجوانان اختصاص داشته را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف- اندرز نامه ها و کتاب هایی که برای تربیت شاهزادگان بود. « اندرز نامه انوشیروان به پسرش هرمز»

ب- آثار امیران، موبدان و درباریان: کارنامه اردشیر بابکان، مناظره نخل و بز. درخت آسوریک.خوی‌شکاری ری‌دکان

ج- آثار عمومی: کتاب کلیله و دمنه مهم‌ترین کتاب برای ترویج اصول و مبانی اخلاق و سیاست بوده است.(ر.ک شجری،۱۳۸۴: ۲۲). آنچه که در مورد ادبیات کودکان قبل‌از اسلام شایان ذکر است، این است که محتوای آثار نوشته شده برای کودکان به صورت مستقیم، به پند و اندرز و نصیحت کودکان می پرداخت و بیشتر مانند یک خطابه اخلاقی و تمام محور ادبیات آن‌ها، تعلیم و تربیت بود.

۱-۲-۵. ادبیات کودکان پس از اسلام:

پس از اسلام و با ورود قرآن به خانه‌ها و آموختن علم، توجه و علاقه کودکان و نوجوانان به فراگیری علم و دانش و کسب آگاهی بیشتر شد. در این زمان بیشتر کتاب‌ها، برای تربیت کودکان و آموزش آنان نگاشته می شد. در سده‌های سوم و چهارم پس از چیرگی اعراب، کتاب کلیله و دمنه در مکتب خانه‌ها برای کودکان و نوجوانان تدریس می شد. در سده های بعد کتاب هایی نظیر کیمیای سعادت، بوستان‌و گلستان درس‌نامه کودکان در مکتب خانه ها شد.« هر چند آثاری که در دوران اسلامی برای کودکان نوشته شده، بیشتر پند و اندرزهایی است که مستقیماً کودک را مورد خطاب قرار می دهد. اما اسناد و مدارکی وجود دارد که نشان می دهد برای تربیت و پرورش کودک از روش های غیر مستقیمی چون نقل حکایت، افسانه و سرگذشت‌ها نیز استفاده می شد» (شجری،۱۳۸۴: ۲۹). شاید بتوان گفت اولین کتابی که پس از اسلام به طور مختص برای

نوجوانان به نگارش درآمد، کتاب «قابوس نامه» اثر «عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر» خطاب به پسرش گیلانشاه است. عنصرالمعالی قابوس نامه را در قرن پنجم و در چهل و چهار باب تدوین کرده است. این کتاب حاوی پند و اندرزهایی در همه رشته‌های علوم در زمان عنصرالمعانی است از دانش و عرفان و زبان و ادبیات و شعر و شاعری و پزشکی و موسیقی و تاریخ تا نکته‌هایی مربوط به زندگی درباری و سپاهی که همراه با حکایات متناسب با آن دانش‌هاست در قرون بعدی، شاعران بزرگی در شعر سنتی نیز به کودک توجه نشان دادند و به طور اختصاصی به سرایش شعر برای فرزندان خود همت ورزیده و به طریقی برای کودکان شعر می سرودند. حتی« اوستا گذشته از آنکه به عنوان نامه‌ای دینی و معتبر باشد، مجموعه‌ای از فرهنگ روزگاران گذشته ایران بوده است. به همین دلیل در این اثر نه تنها از مسائل دینی، پزشکی، نجوم، هنر، ادبیات و رسوم مردم ایران سخن به میان رفته است بلکه مطالبی هم در آن وجود دارد که کودکان ایرانی از آن بهره‌مند بوده-اند که مهم‌ترین آن‌ها روایات اساطیری است» (.سرامی ،۱۳۵۳: ۲۵-۲۴). آفرینش شاهنامه فردوسی در قرن چهارم به وسیله فردوسی اوج توجه به فرهنگ و زبان ملی بود. شاهنامه به دلیل برخورداری از داستان‌ها و حکایات ارزشمند که بازتاب دلاوری ها و قهرمانی‌های قوم ایرانی است، برای کودکان و نوجوانان جذاب و خواندنی‌ست.کتاب دیگری که بعد از قابوسنامه به دلیل وفور حکایات در آن، مورد توجه کودکان قرار گرفت، کتاب « کلیله و دمنه» است که «عنصرالمعالی نصرالله منشی» در قرن ششم ه.ق آن را از عربی به فارسی ترجمه کرد. پس از کلیله و دمنه می‌توان کتاب‌های دیگری هم چون «مثنوی معنوی» اثر «مولوی» و «گلستان» و « بوستان» از «سعدی» در قرن هفتم ه. ق و مثنوی « موش و گربه» از «عبید زاکانی» را در قرن هشتم ه. ق نام برد که به فرا خور زبان و محتوایشان، توانستند مخاطبانی را از گروه سنی کودک به خود اختصاص دهند.

از قرن نهم تا سیزدهم، بالا گرفتن فرقه گرایی مذهبی در عهد صفوی، سبب بی‌توجهی به ادبیات شد. در این دوران با رواج قصه گویی در قهوه خانه‌ها، ادبیات شفاهی بیش از پیش به میان مردم راه می‌یابد. از جمله قصه‌های رایج در این دوره می‌توان به «سمک عیار»، «حسین کرد شبستری»، «رموز حمزه» و «امیر ارسلان» اشاره کرد. در این زمان توجه کودکان نیز به پیروی از اجتماع متوجه ادبیات شفاهی شد. در دوران قاجار و پیش از مشروطیت به دلیل ورود معلمان خارجی به ایران، ترجمۀ کتب گوناگون، فرستادن دانشجو به اروپا، گسترش صنعت چاپ و انتشار روزنامه‌هایی چون « کاغذ اخبار» و «وقایع اتفاقیه» سواد و خواندن از خانه‌های خواص به کوچه و بازار آمد. از جمله کتاب‌هایی که در این دوره برای کودکان به نگارش درآمد می-توان به « کتاب احمد» یا « سفینه طالبی» اشاره کرد که « عبدالرحیم طالبوف» آن را تحت تأثیر «امیل» اثر « ژان ژاک روسو» تألیف کرده است. هم چنین «مثنوی الاطفال» اثر « محمود مفتاح الملک» که برگزیده‌ای است از داستان‌های مثنوی همراه با تصویر که با هدف‌های تربیتی برای کودکان به چاپ رسیده است. در دوران مشروطیت با گسترش آموزش همگانی و تأسیس مدارس، نگارش و انتشار کتاب‌های درسی وسعت پیدا کرد و ادبیات کودک و نوجوان به شکل ویژه‌تری مورد توجه قرار گرفت. (ر.ک قزل ایاغ، ۱۳۸۶: ۱۰۶- ۱۰۹)

۱-۲-۶. مشروطه و ادبیات کودک و نوجوان:

انقلاب مشروطه تأثیر شگرفی بر ادبیات و به تبع آن ادبیات کودک گذاشت. شاعران و نویسندگان دوره مشروطه که در انقلاب نقش بسزائی داشتند برای اینکه مردم را به صحنه های سیاسی بکشانند و به زبان آن-ها نزدیک شوند برای آن‌ها و به زبان آن‌ها شعر می‌گفتند. به جای استفاده از عبارات و ترکیبات پیچیده و

غامض، از عباراتی ساده و قابل فهم برای عموم بهره می گرفتند. توجه به ساده نویسی که از آن به نهضت ساده نویسی یاد می‌کنند از دوره مشروطه پایه گذاری شد و زمینه توجه و گسترش ادبیات کودک را فراهم کرد.« در قرن نوزدهم غرب توجه زیادی نسبت به ادبیات کودک از خود نشان داد. این کار باعث شد که کم-کم نویسندگان ایرانی تحت تأثیر غرب و آشنایی و تأثیر از آثار غربی، دست به تألیفاتی برای کودکان و نوجوانان بزنند. کسانی چون نسیم شمال، ایرج میرزا، بهار، دولت آبادی و ... ».(ر.ک شجری،۱۳۸۴: ۷۰). در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۴۰ کوشش نویسندگان نسبت به خلق آثار جدید برای کودکان بیشتر شد از اقدامات مهم در این دوره ،گردآوری داستان‌های عامیانه در بین مردم بود. اولین‌کوشندگان در این زمینه کسانی چون فضل الله مهتدی(صبحی) و صادق هدایت بودند که گام مهمی در شکل‌گیری و رونق ادبیات کودک برداشته‌اند. بعدها و در سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۴۵ گزینش و انطباق از ادبیات رسمی فارسی برای کودکان و نوجوانان صورت گرفت که از این میان می‌توان به کارهای احسان یار شاطر (داستان‌های شاهنامه)، مهدی آذریزدی (مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب) و زهرا خانلری (داستان‌های دل انگیز ادبیات فارسی) اشاره کرد. از سال ۱۳۴۵ به بعد توجه بازنویسان به بازنویسی از ادب رسمی سیر صعودی را پیمود به طوری که در سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۶۵ بازنویسی بالاترین نشر را به خود اختصاص داد.(ر.ک، هاشمی نسب،۱۳۷۱: ۵۳-۵۲) ادبیات کودک و نوجوان در دوره مشروطه جلوه دیگری به خود گرفت. نوشتن کتاب برای کودکان رسماً از اواخر قرن سیزدهم هجری آغاز شد. جنبش مشروطه خواهی همان گونه که در ادبیات تأثیری عمیق داشت دیدی واقع بین و مردم گرا به آن بخشید و ادبیات کودک را تحت تأثیر این دید و رویه قرار داد. نویسندگان پرشور عصر قاجار و مشروطه از تأثیر تعلیم و تربیت و اهمیت آن آگاه بودند و با تأثیرپذیری از غرب و نوشتن آثارمختلف باب تازه‌ای در ادبیات کودکان ایران گشودند.

۱-۲-۷. ادبیات کودکان و انقلاب اسلامی:

رشد روز افزون جمعیت و جوان شدن آن و بالا رفتن تعداد دانش آموزان و باسوادان و بهبود اوضاع اقتصادی، توجه به کودکان و نوجوانان را افزایش داد. انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در سال ۱۳۵۷ هشیاری و رشد ذهنی- اجتماعی کودکان را بالاتر برده و بر وسعت تجربه‌های آنان افزود. «در دوره انقلاب در زمینه کتب، ترجمه‌ها و سایر علوم، آثار ارزشمندی برای کودک و نوجوان خلق شد. انتشار چشمگیر داستان، قصه، بخصوص داستان‌های واقعی و جدید برای نوجوانان و بازار داغ ترجمه، تحقیق و پژوهش به صورت تخصصی، زمینه رشد ادبیات کودک را فراهم کرده بود.»(حجازی،۱۳۸۵: ۴۳-۴۴). دردهه شصت به دلیل هفت سال جنگ تحمیلی و پی آمدهای آن ادبیات کودکان دچار رکود نسبی شده و پس از یک دورهٔ فترت با تدوین اصول انتشار کتاب کودک توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اجرای طرح ممیزی قبل از چاپ برای ادبیات کودکان سرانجام ادبیات کودکان با الگوهای جدیدی راه خود را از سر گرفت. در این دوره آثار تألیفی از ترجمه پیشی گرفته و درونمایه واقع گرایانه بیش از سایر حوزه‌ها به خصوص در ارتباط با مسائل جنگ مورد توجه نویسندگان بود. اما دهه هفتاد تلاش‌ها و فعالیت ها در زمینه ادبیات کودک وسیع تر شد. تهیه و تدوین « فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان» به وسیله شورای کتاب، انتشار مجلات و نشریات نیز رونق زیادی داشت.. در دهه هفتاد با فرو نشستن احساسات تند و ورود به دورهٔ پس از جنگ، گرایش به داستان‌های فانتزی و تخیلی بیشتر شد. در این دهه با رشد مجدد ترجمه، البته با رویکردی نوآورانه‌تر رو به رو هستیم. یکی دیگر از ویژگی‌های دهه هفتاد رشد نقد ادبی چه در آثار ایرانی و چه در آثار خارجی ادبیات کودکان

است. تأسیس «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» در پاییز ۱۳۷۷ نقطه عطف دیگری از وقایع دهه هفتاد است که تأسیس «انجمن تصویرگران کتاب کودک» در سال ۱۳۸۲ را می‌توان از پی آمدهای آن به شمار آورد. هم چنین در این دهه شاهد حضور فعال نویسندگان و تصویرگران حوزهٔ ادبیات کودکان در عرصه‌های بین المللی هستیم. (ر.ک قزل ایاغ، ۱۳۸۶: ۱۱۵- ۱۲۰).

پس از انقلاب گرایش به بازنویسان اغلب درحیطه‌ی داستان‌های مذهبی(سرگذشت پیامبران و امامان دین) و داستان‌های اخلاقی و اجتماعی بوده است. اما امروزه با ایجاد رشته تحصیلی ادبیات کودک و نوجوان در برخی دانشگاه ها، برگزاری سمینارها ،همایش‌ها، جلسات نقد و بررسی،تهیه مجلات و نشریات، بازنویسی و باز آفرینی متون کهن. ادبیات کودک، قدم در مرحله ای جدید از پیشرفت و تحول گذاشته است.

۱-۲-۸ نوجوان از دیدگاه روانشناسی :

روانشناسان در زمینه تعریف نوجوانی اتفاق نظر ندارند، اما به طور کلی می‌توان گفت که نوجوانی دوره‌ای است بین کودکی و بزرگسالی که طول مدت آن بر حسب فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف، متفاوت است و حدوداً از ۱۱ تا ۲۰ سالگی ادامه دارد.« نوجوانی، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است که در همه زمینه ها بروز می نماید: رفتارهای کودکانه را بتدریج از دست می دهد، خواهان استقلال است، می خواهد همه چیز را خود تجربه کند، افکار انقلابی دارد، طغیانگر است، تمایل به تنهایی دارد، رابطه با همسالان برای او ارزش بسیاری دارد و در برابر دستورات بزرگسالان مقاومت می کند»(شعاری نژاد،۱۳۸۸ :۶۶). نوجوانی، دوره نوسان بین عواطف است، یعنی در عین حال که شاد است احساس افسردگی می کند، گاهی اوقات رفتار خشن و گاه رفتاری ملایم دارد. نوجوانی، دوره نوسان رفتاری نیز هست، یعنی نوجوان مدام در حالت رفت و برگشت بین حالات کودکی و نوجوانی است. با توجه به شناختی که از خود، توانایی‌ها، شرایط و امکانات کسب نموده، خواستار رفتار بزرگسالانه است، در حالی که تجربه لازم را ندارد.

۱-۲-۹. ارتباط ادبیات و زندگی نوجوان:

ادبیات با زندگی کودک و نوجوان رابطه‌ی نزدیک و استواری دارد.« ادبیات کشف می کند، بازآفرینی می-کند و در جستجوی معرفت است. نوجوان هم از این جهت که خود را کشف کند و معنای زندگی و امور آن را درک کند، به ادبیات نیاز دارد. تجربه انسان‌ها را در طول تاریخ می توان به کمک کتاب ها در اختیار نوجوانان قرار داد تا از بلندای برج عظیم آن به جهان هستی بنگرند و تازه ها و یافته های جدیدی کشف کند. ادبیات نقش عظیمی در تحول افکار و شکل دهی شخصیت و آموختن تجارب گوناگون زندگی به نوجوان ایفا می-کند» (لطف آبادی،۱۳۸۸: ۶۷-۶۶). نوجوان در برخورد با کتاب‌ها و داستان‌های گوناگون، به گونه‌ای تربیت می‌شود که شگفتی‌ها و لذت‌های درون زندگی را کشف می‌کند« نوجوانان آموزه های کتاب‌ها را مرتباً با زندگی خود مقایسه می‌کنند و دید شخصی آن‌ها نسبت به زندگی، شفاف‌تر می‌شود و برای آن‌ها پنجره‌ای می‌گشاید که از میان آن، به مشاهد و بررسی زندگی خود و دیگران بپردازند.» (قزل ایاغ، ۱۳۸۶: ۳۴). دوران نوجوانی دوران تفکیک پذیری است. دوران رشد و بلوغ جسمانی و ذهنی است.« نوجوانی دوران همانند سازی با قهرمانان و قهرمان سازی است. دوران آینده نگری و نگرانی از آینده، دوران نظریه پردازی، آرزوهای بلند و دوران آرمانی و خیال‌پردازی است»(شعاری نژاد، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۰). حال هزاران داستان، اسطوره و حکایت می‌تواند به اقتضای عصر به صورت داستان، شعر و فیلم تبدیل شوند و در اختیار نوجوان قرار گیرند تا با بررسی و مقایسه آن‌ها با زندگی خویش، راه و مسیر زندگی و سختی‌های آن را بهتر بشناسد. بنابراین ادبیات

(داستان) با زندگی نوجوان رابطه نزدیک و متقابلی دارد. ادبیات به مثابه ابزاریست برای رشد و تعالی روح کودک و نوجوان در شناخت خویش و پیمودن راه های تکامل.

۱-۲-۱۰. اهداف و کارکردهای ادبیات کودک و نوجوان:

ادبیات کودک و نوجوان از زمان پیدایش خود تا امروز، دارای اهداف و کارکردهای گوناگونی استکه همگی در خدمت پرورش نیروی تعقل، تربیت و خلاقیت کودکان و نوجوانان هستند« اگر بپذیریم که ادبیات ابزاری مؤثر در خدمت رشد و تعالی و تربیت کودک و به طور عام «انسان» قرار می گیرد هدف کلی ادبیات را باید در هدف خلقت انسان جست و جو کرد. یعنی کمک در شناخت و پیمودن راه های تکامل و تعالی انسان به سوی خداوند متعال»(شجری، ۱۳۸۴: ۱۰). صاحب نظران برای ادبیات کودک اهداف و وظایف متعددی ذکر کرده-اند. هرچند برخی اهداف با هم متفاوتاند اما در مواردی نیز با هم یکسان هستند.

۱ - تقویت استعداد کنجکاوی کودکان نسبت به شناخت جهان و خالق آن
۲ - ارضاء نیاز های درونی کودکان
۳ - پرورش قوه درک و بیان
۴ - پرورش قوه تخیل و گسترش اطلاعات
۵ - افزایش گنجینه های واژگانی و افزایش قدرت نگارش و تکلم
۶ - شناسایی کودک به خویشتن
۷ - سرگرم کننده و لذت بخش بودن
۸ - آشنایی با مسائل زندگی و بیان ارزش دانایی. (ر.ک، حجازی،۱۳۸۵: ۱۸-۱۷)

در ادامه به معرفی مختصر عناصر و تکنیک‌های داستان پردازی که از ابزار و شیوه های بررسی متن کهن و بازنویسی است پرداخته می‌شود.اگر دربازنویسی متون کهن ادبی ساختار و تکنیک‌های داستان نویسی امروزی رعایت شود کیفیت بازنویسی ها نیز افزایش خواهد یافت.

۱-۳. عناصر داستان :

عناصر و تکنیک‌های داستانی مدرن، در بازنویسی متون کهن نقش مهمی ایفا می‌کنند. با به کاربردن صحیح و مناسب این عناصر می توان ساختار جدیدی به متون کهن ادبی بخشید. بدین منظور به معرفی این عناصر و الگوهای داستانی پرداخته می شود:

۱-۳-۱. موضوع: (Topic=Subject)

هرداستانی موضوع خاصی دارد که کل داستان درپیرامون آن گسترش می یابد.«موضوع شامل پدیده ها وحادثه‌هایی است که داستان را می آفریند و درونمایه را تصویر می کند، به عبارت دیگر موضوع قلمرویی است که درآن خلاقیت می تواند درونمایه خود را به نمایش بگذارد.» (میرصادقی،۱۳۸۵ :۲۱۷) یونسی براین باور است که«موضوع یک اثرداستانی همیشه جایی یا کسی یا موقعیتی است» (یونسی،۱۳۸۸ :۳۰). تمام رخدادهای یک داستان باید به نحوی به موضوع مربوط باشد. می توان موضوع را به پیکر انسان و سایر عناصر داستان را به اندام های آن پیکر مانند کرد.

۱-۳-۲. پیرنگ : (plot)

درحقیقت «پیرنگ وابستگی موجود میان حوادث داستان را به طور عقلانی تنظیم می کند. بنابراین می تواند راهنمای مهمی باشد برای نویسنده و درعین حال نظم و ترتیب متشکلی باشد برای خواننده، زیرا پیرنگ برای نویسنده ضابطه عمده ای است برای انتخاب و مرتب کردن وقایع، و درنظرخواننده نیز ساخت و وحدت داستان را فراهم می‌آورد. از این نظر، پیرنگ فقط ترتیب و توالی وقایع نیست بلکه مجموعه سازمان یافته وقایع است. این مجموعه وقایع وحوادث با رابطه علت و معلولی به هم پیوند خورده و با الگو و نقشه‌ای مرتب شده است»(میرصادقی،۱۳۸۵ :۶۹).اجزای پیرنگ باید با یکدیگر هماهنگ باشند. هرحادثه‌ای معلول حادثه قبلی و علت حادثه‌ی بعدی است .این‌گونه نیست که حوادث صرفا درکنار هم قرار بگیرند و ارتباطی تأثیرگذار برقرار نسازند. درحقیقت این هماهنگی و تسلسل حوادث درطرح، درپی تأمین هدف خاصی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که هر نوع تغییر و جابه‌جایی در وقایع و شکل هماهنگ آن‌ها، رابطه منطقی مبتنی برعلت و معلولی را برهم می زند و مانع تحقق آن هدف خاص می شود.

۱-۳- ۳. زاویه دید: (point of view)

زاویه دید یا کانون روایت، عنصرمهم واساسی درساختار یک اثر داستانی است. انتخاب زاویه دید مناسب ازجهت احساس و رویکرد نویسنده نسبت به موضوع و درونمایه اثر وتحت تأثیر قراردادن سایر عناصر، ازاهمیت بسیاری برخورداراست. زاویه دید، شیوه‌ای است که ارائه مواد داستان را به خواننده برعهده دارد. هرداستانی به فراخور حال وهوایی که دارد نوعی خاص از راوی را باید داشته باشد. بنابراین «هرداستانی ساختار مطلوب خود را داراست وهمین ساختار، راوی مطلوب خود را برمی‌گزیند» (اخوت،۱۳۷۱ :۱۰۲). انتخاب هوشمندانه راوی داستان از سوی نویسنده و متناسب بودن آن با محتوا و طرح داستان، نیاز به دقت خاصی دارد. به عبارت بهتر دیدگاه اگرچه صرفا یک عنصر صوری در داستان محسوب می شود اما برمیزان صمیمیت، واقع گرایی، باورپذیری و در نتیجه تأثیرگذاری داستان نقش تعیین کننده ای دارد.

۱-۳-۴. شخصیت وشخصیت پردازی(Characters and characterization)

شخصیت وشیخصیت پردازی به عنوان یکی از عناصر ساختاری داستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به گونه‌ای که می توان گفت «عامل شخصیت یکی ا زعناصر عینیت دهنده به زندگی اجتماعی قصه است، و شاید به همین دلیل است که آندره ژید به تأکید تمام گفته است که: هرگز عقیده‌ای را مگو، مگر از طریق شخصیت»(براهنی،۱۳۶۸ :۲۴۶). انتخاب و خلق اشخاص داستان نیز امری بسیار در خور توجه است. یکی از عوامل مهم در توفیق یک داستان، وجود شخصیت های خوش ساخت درآن اثر می باشد به نحوی که ممکن است خواننده خود را مجاب سازد که مانند آن شخصیت یا شخصیت ها رفتار کند.«انتخاب اشخاص داستان تا حد زیادی بستگی به نوع داستان دارد.نویسنده هنگامی که به نگارش داستان می‌پردازد از اشخاصی که بناست در داستان بیاورد بیش وکم تصوراتی دارد.»(یونسی،۱۳۸۸ :۲۹۵).

۱-۳-۵. گفت وگو:(Dialouge)

گفت‌وگو، تمهیدی است که نویسنده می‌اندیشد و آن را اجرا می‌کند تا شخصیت های داستانش را ازلابه-لای آن به خواننده بشناساند. در گفت‌وگوی میان شخصیت‌ها یا گفت‌وگوهای درونی، بسیاری از خصوصیات روحی و روانی وحتی رفتارهای ظاهری، خود را نشان می‌دهد. گفت وگو باید با شغل، خلق وخوی شخصیت‌ها

و طبقه اجتماعی آنان هماهنگی داشته باشد: بین گفتار هر شخصیت و خاستگاه اجتماعی و ویژگی‌های درونی و شخصیتی او، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این عوامل بر نوع رفتار و گفتار شخصیت تأثیر شدید دارد. گفت وگو باید باور پذیر باشد و احساس طبیعی بودن را به خواننده بدهد: منظور از باور پذیر بودن این نیست که گفت وگوها باید کاملا منطبق بر واقعیت باشد و تخیل نویسنده در آن دخالت نداشته باشد؛ «زیرا ادبیات داستانی. حقیقت مانند است. خود حقیقت نیست.»(میرصادقی،۱۳۸۶ :۴۲۱). بلکه منظور این است که نویسنده با برگزیدن الفاظ و عبارات مناسب، گفت وگوها را آن‌گونه که میان شخصیت‌ها صورت می‌گیرد، ارائه دهد.

۱-۳-۶. صحنه وصحنه پردازی:(Setting)

هرداستانی برای نشان دادن وقایع و شخصیت های خود نیاز به صحنه‌ای دارد.صحنه شامل مکان و زمان داستان است. به عبارت دیگر، داستان باید درمکان یا محیط جغرافیایی خاصی اتفاق بیفتد، زمان این اتفاق مشخص باشد و عمل داستانی در آن ظرف مکانی و زمانی صورت بگیرد. پس «زمان ومکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. کاربرد درست صحنه براعتبار و حقیقت مانندی داستان می‌افزاید وانتخاب درست مکان وقوع داستان به قابل قبول بودن حوادث کمک می‌کند» (میرصادقی،۱۳۸۶ :۳۰). مکان و زمان بر روی شخصیت‌ها و ایجاد فضای خاص در داستان نیز تأثیر ویژه‌ای دارد،«این تأثیر به حدی نیرومند است که اکثراستادان معتقدند که نویسنده هنگامی که به کار می پردازد باید طرح صحنه یا محیطی را که می خواهد داستان خود را در آن قرار دهد دقیقا در ذهن خود بریزد و اشخاص داستان را در آن قراردهد و آن‌ها را آزاد گذارد تا برحسب میزانی که از آن متأثر می‌شود عمل کنندو داستان را جلو ببرند» (یونسی،۱۳۸۸ :۴۳۱).

۱-۳-۷ –لحن(Tone)

چنانکه می‌دانیم هرشخصیتی به علت سابقه، تمایلات خاص خود، تجربیات شخصی، جدال‌های درونی، حوادث فردی و اجتماعی و تعلق داشتن به طبقه ای خاص، بیانی ویژه پیدا می‌کند و فضای کلامی خاصی درذهنش پدیدار می شود که با فضاهای زبانی دیگر فرق دارد. بدون این خصلت‌ها، لحن به وجود نمی آید. درحقیقت می توان گفت لحن، پوشش خارجی وضع و محیط روانی و اجتماعی شخصیت است و برای این که شخصیت از یکپارچگی برخوردار باشد باید میان پوشش خارجی(لحن) و فضای درونی و اجتماعی او، تطابق کامل وجود داشته باشد. به عبارت بهتر به کمک لحن می توان به موقعیت، خلق وخو، طرز تفکر و تمایلات اشخاص پی برد، به گونه‌ای که می‌توان گفت «لحن، تا حدی شناسنامه شخصیت است.منتها از یک سو ارتباط پیدا می‌کند با سبک و زبان عمومی یک عصر و از سوی دیگر ارتباط پیدا می‌کند با خلق و خوی شخصیت و حرکت و سکنات او و اعمالی که در یک وضع روانی خاص از شخصیت سر می‌زند» (براهنی،۱۳۶۸ :۳۲۷)

۱-۳-۸. سبک و زبان نگارش :

در ادبیات «سبک روشی است که شاعر ونویسنده برای بیان موضوع خود برمی گزیند؛ یعنی سبک شیوه گفتن است. شاعر و نویسنده به واسطه سبک در تمام مراحل از انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصرگوناگون، تأثیرخود را برجای می نهد» (داد،۱۳۸۱ :۲۷۶). سبک روش و شیوه کاربرد زبان توسط نویسنده است؛ یعنی هر نویسنده‌ای برای بیان اندیشه‌هایش، شیوه مخصوص به خود را در آثارش به کار می برد. این شیوه باید متناسب با موضوع، درونمایه و به طورکلی فضای حاکم برداستان انتخاب شود. در